



مصادف شدن ماه مهمانی
خدا و نوروز باستانی بر
تلاشگران عرصه تولید و
بازنشستگان مبارک باد

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



سال سیزدهم
شماره ۱۵۵
ویژه نامه نوروز ۱۴۰۳

سال سیزدهم | شماره ۱۵۵ | ویژه نامه نوروز ۱۴۰۳

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

ویژه نامه نوروز

فرارسیدن بهار قرآن و بهار طبیعت بر جامعه شریف کارگری و بازنشستگان عزیز تبریک و تهنیت باد!

صفحه ۵

وزیرکار به وعده هایش
عمل نکرد/ تاوان اعمال
خود را خواهیم داد

صفحه ۶

بچه هایی که گرچه لب هاشون مثل
لبو قرمز قرمز بود و دستهاشون
سرد سرد. ولی دلهاشون گرم گرم
بود و نزدیک به هم خالی از ریا
و تزویر واقعا یادش بخیر

صفحه ۷

تاج پرسپولیس بر سر تامین
اجتماعی: سهام «پرسپولیس»
را نمی خواهیم!



صفحه ۲

قدرت خرید حقوق بگیران
۶۰ درصد کاهش یافته؛
آیا دولت می پذیرد؟!

صفحه ۳

بابا جان داد
تا زندگی بگذرد؟!

صفحه ۴

مردم فریب شرکت
های بیمه خصوصی را
نخورند؛ از بازنشستگی
خبری نیست!!

نگاه اول سید مجتبی قریشیان - سردبیر

علی خدایی ماندگار و سربلند



در آستانه نوروز ۱۴۰۳ هستیم و جماعت
کارگرو بازنشسته چشم به جلسات
شورای عالی کار دوخته اند و منتظر
تصمیم این شورا در خصوص مزد ۴۰۳
هستند اما هنوز حاشیه های مزد ۴۰۲
تمام نشده نمایندگان گروه کارگری
حاضر در شورای عالی کار مجبور شدند
مصوبه ای را امضا کنند که حاصلش
تصویب مزدی گردید که مغایرت آشکار
با ماده ۴۱ قانون کار داشت، مزد تعیین
شده کاملاً غیر قانونی بود. با وجود اینکه
در طی جلسه تصویب مزد بارها وزرای

دولت به ویژه وزیر کار که رئیس و اداره کننده جلسه هم هست به صورت شفاهی قول
کنترل توروم را دادند. علی رغم اینکه در صورت جلسه قید شده است که در صورت
اضافه شدن به حقوق کارکنان دولت، مزد تعیین شده مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.
واضح است که دولت به علّت جهش توروم و اضافه شدن به حقوق کارکنان دولت. نمایندگان
گروه کارگری شورای عالی کار بر حسب وظیفه قانونی خود طی دوماه در مرحله در خرداد و
مردادماه سال جاری بصورت مکتوب تقاضای بررسی بازنگری مزد را مطرح کردند
ولی در کمال تعجب و تاسف به این تقاضا به حق و قانونی، از سوی گروه دولتی ترتیب
اثر داده نشد و آنان مصوبه ای را که به امضای خودشان رسیده بود، را نادیده و نشنیده
گرفتند. به واقع به وجهات امضای خود خدشه ای عمیقی وارد کردند. و در نهایت چاره
را در این دیدند که به بهانه های غیر قانونی و غیر منطقی، از دعوت علی خدایی یکی
از نمایندگان لایق و توانمند گروه کارگری به جلسات شورای عالی کار امتناع کنند. به
این خیال واهی که می توانست صدای اعتراض به حق و منطقی او را که در ارتباط با
نادیده گرفتن قانون و دور زدن آن بلند کرده است را خاموش کنند و او را حذف کنند.
زهی خیال باطل، غافل از اینکه با این حرکت نسنجیده و خام، علی خدایی در کانون
توجهات جامعه کارگری قرار گرفت و بر محبوبیت او افزوده شد. آقایان مطمئن باشید که
این اقدامات غیر قانونی و غیر منطقی شما منتج به نتیجه مطلوب شما نخواهد شد. بهتر
است که به جای این حرکات و اقدامات ایضایی و غیر قانونی و کدخدا منشانه، به
خواست قانونی جامعه کارگری تن دهید. **علی خدایی تنها نیست اوصدای رسا
وبلند جامعه کارگری ست و حذف ناشدنی ست.** شک نکنید که جامعه یکپارچه
ی کارگری و بازنشستگان مثل کوه پشت اقدامات قانونی و مطالبه گری علی خدایی
ایستاده است و این صدا روز به روز رساتر و بلند تر خواهد شد.

مصاحبه اختصاصی "اتحادیه پیشکسوتان" با "علی خدایی" نماینده کارگران در شورای عالی کار؛ من زبان گویای کارگران هستم نمی توانم زبانم را ببرند!!

اصرار کردیم این مطلب بصورت مکتوب در صورت جلسه قید شود ولی دولت
فقط وعده شفاهی می داد و از مکتوب کردن امتناع می ورزید، هر چند که ما در
همان مقطع بارها تذکر دادیم که این امر شلندی نیست و امکان ندارد ضمن
اینکه حتی اگر بخواهید توروم را مهار کنید. ما توروم اتفاق افتاده در دی ماه
سال ۴۰۱ را داریم مطالبه می کنیم پس از مباحث فراوان مصوبه مزدی اعلام
شد و ما بلافاصله پس از شروع سال شاهد بودیم که نهادهای عمومی و غیر
دولتی و سایر نهادها بهای کالا و خدماتشان را افزایش می دهند و خیلی بیشتر
از آن ۲۷٪ که به حداقل دستمزد اضافه شد تعرفه های خود را افزایش می
دهند. بعنوان مثال همان ابتدای سال هزینه های حمل و نقل عمومی در تهران
۳۸٪ افزایش داشت. بعد از آن هم گزارشات مختلفی به ما رسید که نهادهای
مختلف دولتی و غیر دولتی افزایش هایی را با عناوین گوناگون روی درآمد
های کارکنانشان صورت می دهند. بخاطر عدم وفای به عهدی که دولت
در خصوص افزایش دستمزد داده بود هر سه عضو گروه کارگری شورای عالی
کار با نامه نگاری که با وزیر کار انجام دادیم از ایشان خواستیم که با توجه
به اتفاقات صورت گرفته و تعهدی که دولت داده و محقق نشده رسیدگی
به معیشت کارگران و بازنشستگان در دستور کار شورای عالی کار قرار گیرد. ولی
متأسفانه دولت به بهانه های مختلف قبول نکرد که جلسه ای در خصوص
بررسی مزد تشکیل شود. حتی یکی از دلایلی که در مورد من و بصورت
شفاهی مطرح می کرد این بود که شما چرا نوشتید مزد غیر قانونی، اولاً خودم
بعنوان فردی که در جلسات حضور داشتم کماکان معتقد هستم مزدی را
که من امضاء کرده ام غیر قانونی بوده و من شریک هستم؛ کسی را هم
متهم نکردم. امضای من هم پای آن مصوبه ی غیر قانونی وجود دارد اما
پس از این فراز و نشیب های زیاد و با توجه به صحبت هایی که دوستان
من با آقای وزیر کار داشتند، مجدداً در پایان مرداد ماه نامه ای برای رئیس
شورای عالی کار نوشتیم تا موضوع معیشت کارگران را در دستور کار شورای
عالی کار قرار دهند. اما در کمال تاسف به درخواست دوم هم ترتیب
اثر داده نشد و آقای وزیر آن را نشنیده گرفت؛ کار به جایی رسید که وزیر
ادعا کرد که ما نمی توانیم سالی ۲۰٪ بر مزد را افزایش دهیم در حالیکه بر اساس
استفساریه ای که ما از مجلس داشتیم و با توجه به سوابق گذشته می توانستیم
این کار را انجام دهیم. **ادامه در صفحه ۲**



آقای علی خدایی نماینده کارگران در شورای عالی کار در یک گفتگوی
مصمیمی با سردبیر نشریه سید مجتبی قریشیان مطرح کرد: گفته می شود به
جلسه شورای عالی کار دعوت شده اید!
خیر! تا به اینجای کار به جلسات شورای عالی کار دعوت نشده ام ولی
با همکاران و دوستانمان در این شورا در ارتباط هستیم. کمیته تعیین دستمزد کار
خودش را شروع کرده و احتمالاً در این هفته (تا ۲۷ اسفند) شورای عالی کار به
طور جدی به بحث دستمزد ورود کند و انشا... در فرصت باقی مانده تا پایان
سال کار دستمزد تعیین تکلیف شود.
در شورای عالی کار چه می گذرد؟
در این سال ها که به عنوان نماینده کارگران انجام وظیفه نموده ام با چالش
های زیادی مواجه بودم و همواره به هر بحث و موضوعی که به کارگران مربوط
می شد حضور داشتم، سعی کردم کارم را درست و شفاف انجام دهم. از
همه دوستانی که من را مورد لطف و حمایت خود قرار داده اند تشکر می
کنم تیمی که در شورای عالی کار حضور دارد تلاش خود را انجام می دهد
و انشالله... نتیجه خواهد گرفت. ما وظیفه داریم از هر کسی که روی آن صندلی
بعنوان نماینده کارگر قرار می گیرد حمایت کنیم. بعد از اتفاقاتی که در تعیین
مزد ۱۴۰۲ افتاد، در صورت جلسه شورای عالی کار یک مطلبی به صراحت آورده
شده تحت عنوان اینکه اگر در طول سال هر گونه افزایشی در حقوق کارکنان
دولت صورت گرفت بلافاصله جلسه شورای عالی کار تشکیل شود و نسبت
به افزایش حقوق کارگران و بازنشستگان اقدام شود. این موضوع به امضای
وزرای تعاون و کار، اقتصادی و دارایی و صنعت و معدن رسید. در این جلسات
اذعان شد که دولت مصمم است توروم را در محدوده ۲۰٪ مهار کند، ما خیلی

برادر ارجمند جناب آقای اسمعیل حق پرستی

ضایعه درگذشت والدۀ گرامیتان را به جنابعالی و کلیه بازماندگان تسلیت عرض نموده و از درگاه خالق هستی غفران الهی و علو درجات برای آن مرحوم و صبر و سکینه همراه با طول عمر با عزت را مستلت می نمایم. روحشان شاد و قرین رحمت بی انتهای الهی باد.

دبیر کل و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری
سردبیر و اعضای هیات تحریریه ماهنامه اتحادیه پیشکسوتان



مصاحبه اختصاصی " اتحادیه پیشکسوتان " با "علی خدایی" نماینده کارگران در شورای عالی کار؛ من زبان گویای کارگران هستم نمی توانم زبانم را ببرند؟!



که هر وقت دلش خواست بتواند نماینده ای را برکنار کند. ما نباید اجازه دهیم تا دولت برای خودش چنین حقی را قائل شود. و نباید بگذاریم که چنین اتفاقی بیفتد که نماینده ای را برکنار کنند. آنها برای عدم دعوت اینجانب به جلسات شورایی کار چیزهای مختلفی را مطرح می کنند ولی آنچه را من از محافل خصوصی آنها می شنوم این است که این آقایان با اعتراض ها و لحن اعتراضات من مشکل دارند و این یک واقعیت کنعان ناشدنی است. این اعتراضات من از دل جامعه کارگری بیرون آمده است و من زبان کارگران هستم اگر کسی می خواهد این حرفها و اعتراضات را نشنود باید طوری عمل کند که وضعیت معیشتی کارگران خوب شود و مشکلاتشان حل شود تا انشا... ریشه اعتراضات خشکانده شود. بریدن زبان اعتراض کننده هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

...چه باید کرد؟

متأسفانه ضعف از ماست و باعث می شود که دولت چنین رفتاری داشته باشد. فکر می کنم جامعه کارگری نیاز به اتحاد و انسجام بیشتری دارد. باید جامعه کارگری و نمایندگان آنها بحث های جانبی را کنار بگذارند. ما باید ارتباط خودمان را با بدنه کارگری قوی تر بکنیم. وقتیکه یک کار غیر قانونی صورت می گیرد اگر متحد و یکپارچه شویم مطمئن باشید که دولت نمی تواند و قادر نخواهد بود به کارهای غیر قانونی خودش ادامه دهد. من بعنوان کسی که در مسئله دستمزد تخصص دارم معتقدم که دولت به درخواست های گروه کارگری جهت بررسی دستمزد بی توجهی کامل کرد. من سابقاً دارم مبنی بر اینکه نه تنها یک نفر در جلسات شورایی کار حضور پیدا نکرده است بلکه کلیه اعضای شورایی کار در اعتراض به مسئله ای جلسه ای شورایی کار را تحریم کرده اند. ولی هیچ وقت با برخورد های حذفی مواجه نشده اند. به نظر من یکی از مهمترین دلایل آن ضعف گروه کارگری می باشد. ولی علت اصلی آن عدم تسلط دوستان است که در شورایی کار نشستند و به حوزه روابط کار اشراف ندارند. در حوزه معاونت روابط کار بشدت شاهد رفتارهایی هستیم که هیچ مناسبتی با روابط کار ندارد. شاید این از خواست گاههای آنها شکل می گیرد که باید رابطه رئیس و مرئوس حاکم باشد، و آنها باید دستور بدهند و ما باید بپذیریم. من چه در جلسات باشم یا نباشم به هیچ وجه چنین دیدگاهی را نمی پذیرم. به اعتقاد من در جلسات شورایی کار و جلسات سه جانبه گری نمایندگان کارگرو و شخص وزیر فارغ از مسئولیت اداره جلسه که وزیر دارد با هم برابر هستند و رای وزیر رنگین تر و سنگین تر از رای من نبوده و نخواهد بود. آقایانی که به فکر حذف من هستند، این نکته را بدانند که از نمایندگی کارگران حذف نشدم و نخواهم شد. فعالین جامعه کارگری مطمئن باشند که من هستم و حضور کاملاً فعال خواهم داشت و هم زبانم بازتر از گذشته خواهد بود. و در پیگیری مطالبات کارگران یک قدم عقب نخواهم رفت و حضور پررنگ تری خواهم داشت. اگر در این مدت کمتر ظاهر شدم به این دلیل بود که می خواستم دوستانم در فضای آرام و بی حاشیه به کار خودشان ادامه دهند در مقطع فعلی منافع کارگران را در این بین که اجازه ندهند که با اخبار حاشیه ای بخواهند جامعه کارگری را از پیگیری مطالبات اصلیش منحرف کنند. من در کسوت نمایندگی کارگر محکمتر از قبل حضور خواهم داشت و دوستان در شورایی کار هماهنگ هستیم. و آنچه را آنها از حذف من بدنبال می کنند انشا... اتفاق نخواهد افتاد.

و چه امسال عدم توجه به درخواست های ما نمایندگان کارگر بوده است و این عدم توجه من را به این نتیجه رسانده که حضور و نشستن من روی آن صندلی شاید خاصیتی نداشته باشد. متأسفانه دوستان ما در وزارت کار سه جانبه گری مد نظر خودشان را پیاده میکنند. نمی دانم گویا آنها سه جانبه گری را در این می بینند که کسی اعتراض و مخالفتی نداشته باشد و یکسری اطلاعات کذب به بیرون منتقل شود. بیشتر بجای اینکه به فکر حل مشکل باشند. به فکر جوابدهی به اعتراض دیگران باشند. اعضای دولت برخلاف قواعد و قوانین موجود من را به جلسات شورای عالی کار دعوت نکردند دلیلش را هم این می دانم که نهاد معرفی کننده من غیبت مرا موجه می دانند. در شورایی کار و اکثر نهادهایی که می شناسیم این اولین موردی است که یک نفر را به دلیل جلسه غیبت از جلسات حذف می شود. غیبتی که عضو علی البدلش در جلسه حضور داشته است. قبل از اینکه این اتفاق برای من بیفتد یکی از نمایندگان گروه کارفرمایی که اسمش همیشه در جلسات بود ولی ما حضور او را ندیده بودیم و شورایی کار هم اعتراضی نداشت (البته بعد از مطرح شدن اعتراض ما اسمش هم عوض شد) در جریان تعیین مزد ۴۰۱ که ۵/۵/۵۷ به حداقل دستمزد اضافه شد آقای صلاح ورزی رئیس وقت انجمن های صنفی کارفرمایان که پیشتر عضو شورایی کار بود در هیچ کدام از جلسات شرکت نمی کرد بعد از تعیین مزد ۴۰۱ در فضای مجازی بشدت به دولت و شورایی قانونی کار بابت تعیین این دستمزد اعتراض کرد و هیچ وقت به دلیل غیبت با او برخورد نشد. در جمع خود ما نمایندگان کارگری هم افرادی حضور دارند که بارها با علی البدل یا بدون علی البدل در جلسه شرکت نکرده اند. و این اولین بار است که به استناد ۲ جلسه غیبت فکر می کنند که نباید عضو شورایی کار باشیم. اما قاعده و روال قانونی کار این است که هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار در این مورد تصمیم می گیرد و من هم اختیار رانه آنها سپرده ام. آنها معتقد هستند که باید من را مجدداً معرفی کنند. و اگر دولت بخواهد مرا به جلسات دعوت نکند ترک فعلی را انجام داده است که قابلیت پیگیری قانونی را خواهد داشت. جمع بندی مطالب از نظر من این است که دوستان گروه کارگری که در شورایی کار حضور دارند همگی توانمند و قوی هستند و صادقانه دارند کار خودشان را انجام می دهند من هم کنار نیستم و تا آنجایی که بتوانم به آنها کمک می کنم. صرف حضور یا عدم حضور من در مطالبات کارگران تاثیر نخواهد داشت. نکته ای که ما باید روی آن پافشاری کنیم این است که ما نباید بگذاریم تا دولت این حق را برای خودش قائل شود

تغییر و یا اصلاح مجدد مزد یکبار در سال ۸۴ صورت گرفت و یکبار هم در سال ۱۳۹۹ و این ادعا که چنین چیزی ممکن نیست؛ قانون صراحت دارد که شورایی عالی کار همه ساله باید حقوق را افزایش دهد منظورش سالی یکبار نیست بلکه منظور حداقل سالی یکبار است؛ این افزایش حقوق می تواند در سال بیشتر از یکبار هم باشد. حداقل وزارت کار باید این جلسه را تشکیل می داد و در طی جلسه به این نتیجه می رسید که این افزایش حقوق صورت پذیرد یا خیر. اما گروه دولتی حتی حاضر نشد جلسه ای تشکیل شود. در اوائل آبان ماه علی رغم وعده های داده شده نامه ای را دریافت کردیم که نه تنها مزد در دستور کار قرار نداشت بلکه مزد منطقه ای طرح گردید همان موقع اعلام کردم که من این موضوع را به منزله دهن کجی به کارگران می دانم. در شرایطی که ۴ الی ۵ ماه نمایندگان کارگران بر موضوعی اصرار دارند و شما به آن توجه نمی کنید؛ برخلاف منافع کارگران میباشد؛ چگونه است که مزد منطقه را در دستور کار قرار می دهند و بحث ترمیم به حاشیه می رود؟! استغفار می کنم محض است؟!

همان موقع اعلام کردم که اگر ترمیم دستمزد در دستور کار قرار نگیرد و به درخواست ما توجه نشود. من در جلسات شرکت نخواهم کرد. در نهایت با توافقی که با دوستان گروه کارگری در شورایی عالی کار داشتم مقرر شد تا زمانیکه بحث دستمزد در دستور کار قرار نگیرد در جلسات شورایی کار شرکت نکنم؛ بقیه دوستان و علی البدل من شرکت کردند. آقای ابوی نماینده سابق انجمن های صنفی شورایی کار در یک جلسه و با حضور نمایندگان کارگری شورا به من اعلام کرد که آقای وزیر قول شفایی داده اند که بحث مزد حتماً در دستور کار قرار خواهد گرفت با توجه به اینکه من نزدیک محل تشکیل جلسه قرار داشتم با دوستانم هماهنگ کردم که اگر بحث مزد در دستور کار شورا بود با من تماس بگیرد تا سریعاً در جلسه حضور پیدا کنم. پس موضوع استغفاء و سایر مواردی که بعضی ها مطرح می کنند کذب محض است. در آن جلسه موضوع مزد در دستور کار قرار گرفت و تا به امروز هم این روند ادامه داشته!

مفهوم سه جانبه گری!!

بعد از ۲ جلسه غیبتی که داشتم و آن هم با هماهنگی و توافق و تفاهم کامل گروه کارگری بوده و بجای من عضو علی البدل شرکت کرده ولی وزارت کار به نظر من در یک اقدام عجولانه نامه ای محرمانه به کانون عالی شورا ها داده که بعلمت محرمانه بودن از انتشار آن معذوریم ولی به اعتقاد من مطلب خاصی که محرمانه باشد در آن نامه وجود نداشته. در هر حال دبیرخانه شورایی کار به استناد به آیین نامه شورایی کار و ۲ جلسه غیبت متوالی درخواست کرده که عضو جانشین من معرفی شود. بلافاصله بعد از آن نامه و در همان روز آقای علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای نامه ای را به وزارت کار نوشته و در آن قید کرده که ما غیبت های آقای خدایی را غیر موجه نمی دانیم و مرجع تشخیص غیبت موجه یا غیر موجه بودن نمایندگان کارگران در شورایی کار، بعهدده کانون عالی شورا های اسلامی کار می باشد نه وزارت کار، مضافاً اینکه عضو علی البدل آقای خدایی در جلسه حضور داشته است از روزی که من پام را در مناسبات کارگری گذاشتم عهدی با خود بستم و بر آن پافشاری می کنم و آن این است که روی صندلی که خاصیتی نداشته باشم نخواهم نشست. در روند طی شده برای تعیین دستمزد چه در طول سال گذشته

گفت و گوی نوروزی " اتحادیه پیشکسوتان " با "حسن صادقی"؛

قدرت خرید حقوق بگیران ۶۰ درصد کاهش یافته؛ آیا دولت می پذیرد؟!

سال ۱۴۰۳ را با طعم " جهش تورمی " آغاز خواهیم کرد

در جلسه شرکت نکرده است. این یک نوع اعتراض مدنی بوده است که در همه جای دنیا مرسوم است. اگر نماینده ای بدلیل اعتراض مدنی در مجلس حضور پیدا نکند این نماینده را لغو نمایندگی نمی کنند این نوع اعتراض در همه دنیا رسم است و انجام می شود. در آیین نامه آورده شده چنانچه کسی سه جلسه متوالی غیبت موجه داشته باشد بجای اعضاء علی البدل را دعوت می کنند؛ قید نشده که نماینده اصلی را حذف کنند این در حالی است که آقای خدایی غیبتش موجه می باشد چون این غیبت یک اعتراض مدنی است. اعتراض او کاملاً درست و بیجا و منطقی و قانونی است. آقای خدایی را میزان اثرگذاریش در شورایی کار حذف کرد چون اعضاء بسیار قوی و اثرگذاری بود. آقای خدایی را منطبق قوی که در مقابل گروه دولت و گروه کارفرما داشت، حذف کرد. گروه دولت و گروه کارفرما از حضور آقای خدایی در شورایی کار رنج می بردند. آقای خدایی پشتوانه ای مثل جامعه کارگری و باز نشستگان و خانه کارگر و اتحادیه پیشکسوتان دارد.

ادامه در صفحه ۳

صدای ما به جایی نمی رسد! به این دلیل است که در مجلس قدرتی نداریم. بعد از حذف علیرضا محجوب که به دلیل نوع نگرش یا رای نیاروندن آقای محجوب صورت گرفت، بطور جدی دچار خلاء قدرت شدیم. آثارش را هم در وضعیت امنیت اجتماعی و هم در اجتماعاتمان و هم در نوع گفتنمان و هم تحرکات و تجمع هایمان احساس میکنیم. لذا در درجه اول باید فکری به حال پرکردن این خلاء بکنیم و تنها راهش انتخابات است (این گفت و گو پیش از برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم صورت گرفته) و جامعه کارگری باید از فرصت انتخابات استفاده بکند و به کاندیدای مورد حمایت جامعه کارگری رای بدهد تا خلاء قدرت برطرف شود تا نتوانند آقای خدایی را به این راحتی از معادلات گفتنمان دستمزد حذف کنند. آقای خدایی را حذف کرده اند؟! در مورد سوال مربوط به حذف آقای خدایی به نظر من خیلی سخت است پاسخ داد. چون به اعتقاد من کسی آقای خدایی را حذف نکرده. آقای خدایی در اعتراض به قرار گرفتن ترمیم دستمزد ها در دستور شورایی کار

مسایل و مشکلات جامعه کارگری و باز نشستگان آنقدر متعدد و پیچیده است که در قالب یک یا چند گزارش و مقاله نمی گنجد و باید ساعت ها وقت گذاشت تا به تمام آنها پرداخت. وقتی پای صحبت "حسن صادقی" فعال با سابقه کارگری و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری می نشینیم و در آستانه سال نوسال خود را مطرح می کنیم؛ با دنیایی از مطالب مواجه می شویم که شماره های زیادی از نشریه " اتحادیه پیشکسوتان " را باید به آن اختصاص داد. بنابراین فرصت را مغتنم شمرده چند سوال را طرح نموده و باقی موارد را به آینده موکل می نمایم. بحث اصلی ما در این شماره حاشیه های مربوط به آقای " علی خدایی" عضو کارگری شورای عالی کار است و در دل آن خواه ناخواه موارد دیگری بیان شده است.

اگر صدای ما به جایی نمی رسد!

صحبت ما با آقای مهندس صادقی درباره " حاشیه های مربوط به آقای علی خدایی " است! سوال می کنیم چرا اینگونه؟ او می گوید: اگر امروز

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی؛

مردم فریب شرکت های بیمه خصوصی را نخورند؛ از بازنشستگی خبری نیست!!

به وجود آمده در جامعه پس از افزایش سن بازنشستگی، این تبلیغات رشد یافته باشد.

زیر ساخت های بیمه مکمل بازنشستگی مهیا نیست

علی حیدری (عضو سابق هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی و کارشناس حوزه بازنشستگی) در رابطه با موضوع بیمه های مکمل توضیح داد: به صورت تاریخی نظام های تامین اجتماعی و بازنشستگی در جهان به دو پارادایم اصلی نظام بیمه و بازنشستگی مالیات محور (بیویریجی) و نظام حق بیمه محور (بیسمارکی) تقسیم می شود که دومی حدود یک قرن در کشور ما حاکم است.

وی با بیان اینکه در سیستم حق بیمه محور (بیسمارکی) محاسبه مزایای دریافتی افراد بر مبنای نسبت حق بیمه پرداختی افراد در سنوات مختلف محاسبه می شود، گفت: نظام حق بیمه محور رفته رفته به این سو حرکت

کرده که برای مدیریت صندوق ها بر مبنای نظام چند لایه تامین اجتماعی عمل شود. یعنی در سطوح پایین از طریق منابع عمومی و انفال اقدام به تامین حداقلی افراد می شود. در سطوح میانی و بالا نیز از بیمه های مکمل که بر مبنای میزان پرداخت حق بیمه معین استفاده می شود. در این لایه حق بیمه ها

سرمایه گذاری می شود و هر چه سود محقق شد، بعداً به فرد پرداخت می شود. حیدری با تاکید بر اینکه امکان تحقق بیمه های مکمل و تجاری در لایه های بالا منوط به برقراری لایه حمایتی در پایین است، تصریح کرد: در لایه های

حمایتی تامین اجتماعی مثل سازمان تامین اجتماعی خودمان، صرف نظر از میزان حق بیمه پرداختی نظام بازنشستگی و دولت موظف است حداقلی از معیشت را بر مبنای شرایط روز به روز بازنشسته پرداخت می کنند. مثلاً بر طبق

ماده یکصد و یازدهم قانون تامین اجتماعی، فرد هر میزان حق بیمه پرداخت کرده باشد، در صورت بازنشستگی (ولو با کمتر از سی سال) باید از حداقل معیشت مطابق با نرخ تورم موجود و قدرت خرید لازم بهره مند شوند.

عضو سابق هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی تاکید کرد: در جهان تجربیاتی وجود داشته که برخی کشورها کلیه مناسبات بیمه ای و بازنشستگی خود را به بخش مکمل و بر مبنای حق بیمه به حوزه بیمه های تجاری سپردند که از جمله آن ها یونان، شیلی و آرژانتین بودند که همگی به بحران های شدید و اعتراضات گسترده برخوردند. آن ها عمدتاً مجبور شدند که برای مهار بحران

به نظامات چند لایه باز گردند.

وی با بیان اینکه تامین اجتماعی دارای سه لایه «امداد اجتماعی، حمایت اجتماعی و بیمه های اجتماعی» باید باشد، گفت: این سه لایه باید از یکدیگر تفکیک شده باشند و یکی از مشکلات تامین اجتماعی ما نیز همین است

که این سه لایه از هم جدا نشده است. برای مثال دستگاه های متولی حوزه امدادی همزمان کار حمایتی نیز می کنند و دستگاه ها و نهادهای حمایتی کار بیمه اجتماعی می کنند و همزمان سازمان تامین اجتماعی نیز در هر سه لایه حضور دارد. این روند با توجه به ابلاغیه رهبر انقلاب در اردیبهشت سال

گذشته باید مورد اصلاح و بازبینی قرار بگیرد و لایه بندی به دقت انجام شود. وی با بیان این نکته که در لایه های بیمه های اجتماعی نیز سه سطح «بیمه پایه، بیمه مازاد و بیمه مکمل» وجود دارد، اظهار کرد: بدون داشتن بیمه پایه مناسب و قوی، دو سطح بعدی مازاد و مکمل نمی توانند وظایف مربوط به این حوزه را انجام دهند و توان اینکه از عهده خدمات بازنشستگی برآیند را ندارند.

فروش بیمه بازنشستگی توسط شرکت های بیمه گر تجاری کذب است

حیدری ادامه داد: طبق قانون نظام جامع رفاه در سال هشتاد و سه لایه بندی نظام تامین اجتماعی باید صورت می گرفت که پس از آن متناسفانه متولیان چنین اتفاقی نیفتاد و هنوز هم نهادهایی که ماهیتاً بیمه ای هستند، کار حمایتی می کنند و نهادهایی که حمایتی هستند، حوزه امدادی و بیمه ای را نیز پوشش می دهند. این کارشناس حوزه تامین اجتماعی با تاکید بر اینکه «شرایط و

زیر ساخت های گسترش بیمه های مکمل و ورود بیمه های تجاری به حوزه بازنشستگی وجود ندارد» گفت: در واقع می توان گفت چون نظام چند لایه ما محقق نشده و سطح پایه هنوز پوشش کاملی را انجام نداده است، لذا بطور واضحی می توان گفت که امکان ارائه خدمات بازنشستگی توسط بیمه های

تجاری و تحقق بیمه های مکمل وجود نداشته و زیر ساخت های آن مهیا نیست و از همین منظر می توان تبلیغات برای فروش بیمه بازنشستگی توسط شرکت های بیمه گر تجاری را تبلیغاتی کذب خواند!



پول دریافت کنید، در حقیقت دارید صرفاً سود پول خودتان را می گیرید. این در حالی است که شما در همان سال اول بازنشستگی نیز می توانید کل پول خودتان را یکجا بگیرید و وقتی به صورت بازنشستگی قرارداد می بندید، شرکت بیمه با سود پول خودتان به شما حقوق بازنشستگی می دهد.

وی اضافه کرد: در واقع ما در اینجا با نوعی بیمه تجاری مواجه هستیم که هیچ ربطی به بازنشستگی ندارد. شما سرمایه ای را به مرور برای شرکتی ایجاد کردید که آن شرکت سود آن سرمایه را برای شما به عنوان حق بازنشستگی به مرور واریز می کند. اگر ارزش کل بیمه نامه ۱ میلیارد تومان باشد، این پول

در شرکت بیمه جمع شده و شرکت با آن کار اقتصادی می کند و سودش را در دوران بازنشستگی ماهیانه به شما می دهد! در واقع تنها برای تبلیغات این موضوع عنوان می شود که نام این بیمه بازنشستگی است! پس ماهیت این

بیمه ها ربطی به یک قرارداد بازنشستگی ندارد. دارائی با بیان اینکه «هنوز در کشور ما صندوق بیمه ای خصوصی ای ایجاد نشده که این صندوق مخصوص کار بازنشستگی باشد» گفت: در کشورهای دیگر این نهاد وجود دارد که

یک بیمه پایه اجتماعی با ماهیت حمایتی از سوی دولت کنترل می شود. ماخذ آن صندوق های حمایتی درصدی از پرداختی کارگر، کارفرما و سهم دولت به عنوان حق بیمه است. این صندوق ها عین تامین اجتماعی خودمان

است. این صندوق ها عمدتاً Defined benefits یا DB (حمایتی) است. چنین صندوق هایی تعهد می کنند که یک میزان حداقلی از حقوق را به عنوان

مستمری برای بازنشسته واریز کنند و حمایت های از کارافتادگی نیز بدهند. در کنار این صندوق های مکمل بخش خصوصی وجود دارد و در واقع دولت به

وظیفه خود در قبال بیمه اولیه عمل کرده و صندوق های مکمل تجاری پس از آن وارد شدند. وی ادامه داد: ما آن نظام سه لایه تامین اجتماعی را به صورت تفکیک شده و کامل (شامل لایه حمایتی، امدادی و مکمل) را نداریم و تا وقتی

آن نظام سه لایه که پایه شکل گیری یک نظام بهینه تامین اجتماعی است را نداشته باشیم، زیر ساخت ورود بیمه های مکمل شرکت های بیمه گر خصوصی

و تجاری وجود نخواهد داشت. نباید فریب تبلیغات بیمه های خصوصی را خورد دارائی با تاکید بر اینکه «ناباید میان بیمه های عمر و پس انداز و بیمه بازنشستگی مکمل، خلط مبحث گرفته و این دو یکسان فرض شوند» گفت:

محاسبات اکچوئری صندوق های بیمه ای که می خواهند بیمه بازنشستگی مکمل ارائه دهند، بسیار با آنچه امروز می بینیم متفاوت است. شما فرض کنید

که در این صندوق ها اگر بخواهید بازنشست شوید، حداقل باید به سن ۵۰ سال برسید. این در حالی است که ما در یک اقتصاد تورمی زندگی می کنیم که باعث می شود در این اقتصاد اگر فرد بجای بیمه شدن در این شرکت ها، پول

خود را در بانک ها به صورت بلندمدت و بزه بگذارد، بیشتر سود خواهد کرد! این کارشناس تامین اجتماعی با اشاره به اینکه «در این شرکت ها سود محور تمامی عملیات ها است» بیان کرد: مثلاً همانطور که در محاسبه بیمه عمر و

بیمه حوادث و... شرکت بیمه با تورم و با تغییر قیمت شتر که مبنای تعریف دیه یک انسان است، پیامی به شما می دهد که نرخ شتر تغییر کرده و شما باید

متمم و یا اصلاحیه ای به نرخ اولیه ای که بیمه کردید، مقرر کنید! بر این مبنای می توان حدس زد که در این اقتصاد بی ثبات تورمی مثل ایران، این شرکت ها در دوران بازنشستگی چگونه با مشتریان خود حساب و کتاب خواهند داشت!

لذا نباید به راحتی فریب تبلیغات را خورد. با توجه به محدودیت های بیمه مرکزی اصلاً این تبلیغات قابل تحقق نیست و به نظر می رسد با توجه به نیاز

هیچ صندوق بیمه ای خصوصی برای بازنشستگی در کشور نداریم

این روزها شاهد گسترش تبلیغات حول موضوع امکان بازنشستگی افراد با پرداخت ۷،۳ یا ۱۰ سال حق بیمه توسط برخی شرکت ها هستیم اما

واقعیت این است که هیچ صندوق بیمه ای خصوصی برای بازنشستگی در کشور نداریم. پس از قطعی شدن افزایش سن و سابقه بازنشستگی با تأیید شورای نگهبان، شاهد گسترش تبلیغات شرکت های مختلف خصوصی و

تجاری بیمه ای در کشور پیرامون انواع و اقسام بیمه های بازنشستگی هستیم. شرکت هایی خصوصی و نیمه خصوصی زیادی وجود دارند که در این شرایط، وعده های بازنشسته کردن مشتریان خود را می دهند.

این تبلیغات تا چه حد واقعی است و آیا بیمه های خصوصی برآستی به دنبال تامین منافع افراد بیمه شده هستند و می توانند جایگزین بیمه های اجتماعی مثل نظام تامین اجتماعی شوند؟ آیا واقعا امکان بازنشستگی افراد با پرداخت

۷،۳ یا ۱۰ سال حق بیمه توسط برخی شرکت های بیمه گر خصوصی وجود دارد؟ این شرکت ها با چه فرمولی به چنین گزینه هایی برای پیشنهاد به مشتریان خود می رسند؟ آیا برآستی پس از فرارسیدن دوران بازنشستگی، مبالغ قابل

توجه وعده داده شده، به عنوان حقوق بازنشستگی به افراد داده می شود؟ این موضوع البته با عقل سلیم قابل فهم است که هیچ ارزانی بی حکمت نیست

و افراد بیمه گذار پیش از هر چیز باید نسبت به شرایط قرارداد و امکان تحقق آن آگاه شوند، اما آنچه که در اینجا عجیب است، چراغ سبز تصمیم گیران به

گسترش سطحی از پوشش بیمه های تجاری است که مشخص نیست آیا زیر ساخت های آن به عنوان بیمه مکمل فراهم است؟!

چندی پیش مهدی مسکنی (مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری) در سخنانی با الگو قرارداد نظام بازنشستگی در کشورهای چون کره و ژاپن اظهار کرد: برای مثال یک بازنشسته که در ژاپن عضو حداقل سه صندوق

است و به سه صندوق کسورات می پردازد، می تواند الگویی برای مدیریت بازنشستگی ما باشد... ما می توانیم مثل این تجربیات به سمت بیمه های

مکمل نیز در کنار بیمه های اجتماعی اجباری برویم. این اظهارات - که قبلاً نیز از سوی بخش قابل توجهی از مدیران صندوق های بازنشستگی کشور در دولت فعلی و قبلی گاه و بی گاه بیان شده است - نوعی

چراغ سبز به گسترش فعالیت شرکت های مدعی عرضه بیمه های بازنشستگی مکمل خصوصی تلقی شده است.

تبلیغات از اساس کذب!

مهر داد دارائی (عضو کمیته بیمه و تامین اجتماعی خانه کارگر) در این ارتباط توضیح داد: در ایران ۲۹ شرکت بیمه تجاری (شامل شرکت های خصوصی یا نیمه خصوصی) داریم که هیچ یک یک سازمان بیمه گر حمایتی نیستند

بلکه با هدف کسب سود، پکیج ها و بسته های مختلف بیمه ای را به مشتریان خود می فروشند. وی افزود: کلیه طرح های بیمه ای آن ها مانند بیمه عمر، بیمه

جهیزیه، بیمه ثروت و حتی بیمه بازنشستگی، طرح های واقعی نیستند، بلکه طرح های با خریدی است که با سرمایه گذاری پول افراد انجام می شود. شما

مبلغی را به صورت ماهانه یا سالانه پرداخت می کنید و برخی خدمات بیمه مکمل داده می شود. پولی که شما به شرکت بیمه گذار تجاری و خصوصی می دهید، بخشی از آن به «ذخیره ریاضی» بدل می شود که همان ارزش

با خریدی پول شماست. بخش دیگر «کارمزد هزینه های جاری شرکت بیمه» بوده و بخش دیگر هم «هزینه های مکمل مثل بیمه از کارافتادگی و...»

است. البته بیمه مکمل یک بیمه خصوصی شرایط بسیار سخت تری برای از کارافتادگی در نظر می گیرد و با تامین اجتماعی قابل قیاس نیست!

دارائی تصریح کرد: هر کدام از گزینه های بیمه های مکمل مثل از کارافتادگی، درمان و... که به قرارداد بیمه شده با بخش خصوصی برای بازنشستگی اضافه شود، از مبلغ ذخیره ریاضی افراد بعداً کسر می شود و آن مبلغ کسر شده در پایان یک دوره ۱۰ یا ۲۰ ساله در نهایت پرداخت می شود. البته نرخ سود

شرکت های بیمه نیز مصوب بیمه مرکزی است. دو سال اول برای مبلغ جمع شده از بیمه گذار تنها باید ۱۶ درصد مشمول سود، دو سال دوم ۱۳ درصد سود و دو سال سوم نیز باید ۱۰ درصد سود از پول بیمه گذار محاسبه شود.

عضو کمیته بیمه و تامین اجتماعی خانه کارگر تاکید کرد: شما وقتی در چهارچوب چنین قراردادی بیمه می شوید تا به صورت بازنشستگی بعداً

علیرضا حیدری نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان

نگاه روز

دستمزدی که دستمزد نیست!



برای تعیین حداقل دستمزد احتمالی سال آینده، باید ببینیم بر اساس روند سال های گذشته نسبت حداقل دستمزد به سید معیشت آن سال چقدر بوده است. معمولاً این گونه بود که دستمزد، ۶۰ تا ۶۵ درصد سید معیشت خانوار را پوشش می داد. لذا اگر قرار باشد همان نسبت سال های پیشین رعایت شود، قاعدتاً حداقل باید ۶۵ درصد ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان نرخ سید معیشت محاسبه شود که عدد ۱۵ میلیون تومان بدست می آید.

اما اگر شورای عالی کار بخواهد بهتر از سال های قبل عمل کند و دستمزد را به حداقل سید معیشت عنوان شده برساند، طبیعتاً باید بالاتر از این عدد تعیین کنند. البته خاطر نشان می کنم باید ببینیم شورای عالی کار رقم ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان سید معیشت غیررسمی یا عددی حوالی آن را می پذیرد یا خیر؟

توضیحات "علی خدایی" نماینده کارگران درباره چرایی عدم حضورش در جلسات شورای عالی کار؛ وزیر کار به وعده هایش عمل نکرد/ تاوان اعمال خود را خواهیم داد



حضور نیافتن آقای "علی خدایی" نماینده کارگران و عضو فعال و موثر شورای عالی کار در جلسات این شورا حاشیه هایی را در پی داشت و با واکنش های مختلف تشکلات کارگری مواجه شد.

این فعال کارگری و نماینده کارگران در شورایی عالی کار در خصوص عدم حضورش در جلسات شورایی عالی کار گفت: سال گذشته، در صورتجلسه شورای عالی کار بیان شد که اگر دولت در حقوق کارمندان تغییری ایجاد کرد، بلافاصله شورایی عالی کار تشکیل جلسه می دهد و مزد کارگران را بازنگری می کند. به صورت شفاهی گفته شد که در صورت افزایش تورم مزد کارگران نیز افزایش خواهد یافت، که البته این موضوع در صورتجلسه نیامد اما همانطور که گفتیم دولت تاکید داشت که تورم را کنترل خواهد کرد.

خدایی بیان کرد: در حالیکه دستمزد کارگران تنها ۲۷ درصد افزایش یافته بود، بلافاصله بعد از شروع سال ۱۴۰۲ از سوی نهادهای مختلف شاهد افزایش نرخ های بالای ۳۰ درصد بودیم؛ به طور مثال، حمل و نقل عمومی تا حدود ۳۸ درصد افزایش یافت. در طول سال نیز به انجمن های مختلف، حقوق کارمندان افزایش یافت اما جلسه شورای عالی کار برای ترمیم مزد کارگران برگزار نشد و خلف وعده صورت گرفت. وی افزود: وزیر کار دائم می گفتند بررسی می کنیم و اگر افزایشی اتفاق افتاده باشد، جلسه تشکیل می دهیم، که با وجود ارائه اسناد و مدارک جلسه ای تشکیل نشد. اواخر خرداد، گروه کارگری درخواستی برای تشکیل جلسه شورای عالی کار و بررسی وضعیت معیشت کارگران ارائه داد، که از طرف دولت نادیده گرفته شد. بعد از آن، در مرداد ماه در جلسه شورایی عالی کار مجدداً بحث شد که چرا درخواست گروه کارگری در دستور کار قرار نمی گیرد و وزیر کار در همان جلسه گفتند موضوع را در دستور کار قرار خواهیم داد.

خدایی گفت: دو نامه برای برگزاری جلسه شورای عالی کار با بررسی معیشت کارگران نوشتیم که نامه اول به درخواست سه عضو اصلی شورا رسیده بود و نامه بعدی به امضای همه اعضای کارگری و تشکلات کارگری حاضر در شورا رسید. اوایل آبان ماه نیز به صورت جدی تر درخواست تشکیل جلسه دادیم اما باز هم رسیدگی نشد.

وی ادامه داد: در حالیکه وزیر کار شخصاً به من اعلام کرد که موضوع معیشت کارگران در جلسه شورای عالی کار قرار خواهد گرفت، اما این اتفاق نیفتاد و درخواست وزیر اقتصاد، یعنی مزد منطقه ای، که اتفاقاً بر خلاف منافع کارگران است، در دستور کار قرار گرفت. من این موضوع را به نوعی دهن کجی تلقی کردم.

خدایی گفت: در اعتراض به چنین اقدامی، رسماً اعلام کردم که به نشانه اعتراض در جلسات شرکت نخواهم کرد و در دو جلسه ی پیاپی شرکت نکردم. وی گفت: من خود تمایل به استعفا داشتم، اما به کسی استعفا رسمی ندادم و بر خلاف نظر اعضای تشکلات کار نکردم. خوشبختانه و یا متأسفانه دولت به قدری عجول بود که بعد از دو جلسه عدم حضور من، نامه ای به کانون عالی شوراها داده بود که با توجه به غیبت غیرموجه، فرد جایگزین را معرفی کنید! اولاً، چرا غیبت یک فرد در جلسه شورای عالی کار در نامه ای محرمانه بودن از انتشار نامه محروم هستیم. خدایی بیان کرد: یک سوال مطرح است؛ اینکه راه اعتراض چیست؟ اگر من به عنوان نماینده کارگر به موضوعی اعتراض دارم، چگونه می توانم اعتراض کنم؟ وقتی مصاحبه می کنیم شکایت می کنند، خیابان هم نمی شود آمد و در نهایت هم وقتی به نشانه اعتراض در جلسات حاضر نمی شویم، نامه ای محرمانه می دهند که دیگر در جلسات حضور نداشته باشید!

نماینده کارگران گفت: مشکلات اساسی ما از آنجا شروع شده که عده ای از فعالان کارگری وقتی نتوانسته اند خود را به کارگران نزدیک کنند و موقعیت خود را به دست آورند، دست به دامان کسانی شدند که فکر می کنیم با این وضع آینده خطرناکی برای کارگران رقم زده شود.

وی ادامه داد: در دوره هایی اصرار داشتیم که نهادهای غیر تخصصی در حوزه روابط کار ورود نکنند. حالا چه شده که افراد غیر مرتبط وارد وزارت کار شده اند؟ حوزه ی تخصصی وزارت کار دست افرادی است که تخصصی در آن زمینه ندارند؛ به طور مثال، معاون روابط کار وزیر، در رسانه ملی، در مورد حل مشکلات کارگران در کارگاه ها گفته بازرسان مراجعه می کنند و اگر مشکلی بود در شورای تامین استانداری و اگر لازم باشد در شورای امنیت رسیدگی می شود؛ یعنی ایشان اطلاعاتی در مورد مسائل ندارند. نمی دانند با این تعداد بازرسان کار، حتی امکان بازرسی از کارگاه های رسمی هم هر ۵ سال یکبار فراهم می شود چه برسد به کارگاه های غیررسمی! و حتی اگر بازرسی هم انجام شد، ایشان نمی دانند اولین مراحل رسیدگی به مشکلات کارگران شورای سازش و هیات های تشخیص و حل اختلاف است؟ متأسفانه ایشان مناسبات حوزه روابط کار را نمی دانند.

خدایی گفت: اگر قرار باشد وزن نماینده کارگری در این حد باشد که دولت بتواند به راحتی آن را جابه جا کند، دیگر نماینده کارگری چه جایگاهی خواهد داشت؟ شما فکر می کنید با کنار رفتن یک نفر مطالبه ی کارگری روی زمین می ماند؟ خیر اینگونه نیست. مطالبه ای ما بر اساس منافع فردی نبوده و همواره درد جامعه را فریاد زده ایم.

با حذف یک نفر مشکل حل نخواهد شد، ریشه ی مشکل باقی می ماند و این ریشه دوباره جوانه خواهد زد. صدای ما خاموش نخواهد شد. نماینده کارگران بیان کرد: از اعضای هیات مدیره استان می خواهیم که با تمام قوا از نمایندگان کارگری در مذاکرات مزدی امسال حمایت کنند. این افراد نمایندگان مورد تائید ما هستند و اگر چه در شورایی عالی کار و مذاکرات مزدی حضور نداریم، اما پشت صحنه در کنار آن ها هستیم. مطمئن باشید من هم قطعاً تر از گذشته از این نمایندگان حمایت خواهیم کرد. البته نماینده کارگر باید اقتدار خود را از کارگر بگیرد و اگر اقتدار خود را از جای دیگر بگیرد مطمئن باشد این اقتدار پایدار نخواهد ماند.

خدایی افزود: در کشور فعالان کارگری بسیاری داریم که خوب هم کار می کنند اما عضو شورایی عالی کار نیستند. پس برای کار کردن نباید لزوماً عضو شورایی عالی کار بود. من همچنان در سمت های هیات مدیره شورای اسلامی کار استان تهران، نایب رئیس کانون عالی کشور و فعال کارگری به دفاع از حقوق کارگران می پردازم و عرصه را خالی نمی کنم. نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: امیدوارم اتفاقات خوبی در جلسات مزدی امسال بیفتد، هر چند تا اینجا کار اتفاقات خوبی نیفتاده است. ما وارد اسفند شده ایم و جلسه ی اخیر شورایی عالی کار بدون اینکه به مزد کارگران، و حتی بدون اینکه به مسئله ی منحوس مزد منطقه ای ورود کند، به پایان رسید. وی گفت: با تجربه ای که داشتیم در بهمن ماه فاز جدی دستمزد شروع می شد، اما متأسفانه جلسه گذشته از دست رفت اما بحث دستمزد مطرح نشد. تجربه ی ما می گوید فرصت کافی نیست و دوستان باید مصرانه درخواست جلسه آتی داشته باشند و منتظر جلسه ماهیانه نباشند.

خدایی تاکید کرد: مزد منطقه ای فریبی بیش نیست و قابلیت اجرا ندارد. مطرح کنندگان آن نیز خوب می دانند که مزد منطقه ای قابلیت اجرا ندارد و صرفاً برای کاهش قدرت چانه زنی کارگران در مذاکرات مزدی، آن را هر سال مطرح می کنند. اگر کسی مدعی عمل به قانون است باید ماده ۴۱ قانون کار را اجرا کند و در تعیین مزد به دو مولفه ی تورم و هزینه ی حداقل های زندگی توجه کند.

وی تاکید کرد: با توجه به شکافی که بین حداقل دستمزد و حداقل های زندگی وجود دارد، صحبت از مزد منطقه ای طنز در دناکی است. ضمن اینکه تعیین مزد بر اساس صنایع، مقدم بر تعیین مزد بر اساس مناطق است. مزد منطقه ای باید هر چه سریع تر از دستور کار خارج شود و دوستان وارد مذاکرات مزدی ۱۴۰۳ شوند.

عضو هیات رئیسه کانون عالی شوراهای اسلامی کار تهران گفت: عده ای مدعی هستند که تعیین مزد سالانه ی کارگران نیاز به کشمکش ندارد و در یک جلسه تعیین می شود. خدمت دوستان بگویم که شما راجع به زندگی ۵۰ میلیون نفر صحبت می کنید و صحبت کردن راجع به زندگی این ۵۰ میلیون را نمی توان در یک جلسه جمع کرد.

خدایی تصریح کرد: اگر دولت امسال نیز مانند سال گذشته و با اعمال فشار، مزد کارگران را تصویب کند، روزی تاوان این عملکردش را خواهد داد؛ همه ی ما تاوان این عملکرد را خواهیم داد. معیشت مردم شوخی بردار نیست و ندیدن جنبه های اجتماعی بلایی که سر معیشت مردم، خانواده ها و تولید آمده، تبعات بدی خواهد داشت.

وی در پایان تاکید کرد: من به طور قطع حمایت خود را از تمام اعضای شورایی عالی کار اعلام و تاکید می کنم با بود و نبود یک نفر شما به جایی نخواهید رسید. اگر با بود و نبود یک نفر همه چیز حل می شود، پس کنار رفتن آن بهتر است. در طول این سال ها از سوی گروه کارگری، کادرسازی و نیروسازای صورت گرفته و کارگران همچنان افراد قوی و صاحب فکر و اندیشه در شورایی عالی کار دارند.

دستمزدها هر سال ۱۰ سال از تورم عقب افتادند

علی نصیری اقدم (استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی):

تأثیر افزایش دستمزد بر کسری بودجه و تورم، افسانه است. کاهش دستمزدها باعث انسداد سیاستگذاری شده است.

در ۶ سال گذشته، تورم های بالایی داشتیم اما دستمزدها به طور متناسب تغییر نکرده و هر سال به طور متوسط دستمزدها ۱۰ درصد از تورم عقب افتاده است.

اگر در سال ۹۶، با حداقل دستمزد می شد ۱۰۰ تومان کالا و خدمات خرید، امروز این میزان به ۶۰ تومان رسیده است و به طور متوسط، ۴۰ درصد قدرت خرید را از دست داده ایم که از نظر اقتصادی و اجتماعی پیامدهای بسیار قابل توجهی را داشته و دارد.

زبان ما "قاصر" است؛ گام هایتان استوار!

این "اتحاد" رمز جاودانگی "اتحادیه" پیشکسوتان است!!

به اشتراک بگذارند!

ما فرزندان شما به عشق شما می نویسیم و از شما رسم مردانگی و غیرت می آموزیم! سالی سخت و پرچالش را گذرانیدیم و در کنار هم ماندیم! این وحدت و یکدلی زیباست!

دغدغه ما کمتر از شما پیران خرد نیست اما باید مقاوم و سخت باشیم! سال به زودی تمام می شود و بهار قرآن و طبیعت را جشن می گیریم و چه بهاران زیبایی! انشالله که هرگز چنین سالهایی در انتظارمان نباشد و ایامی پر از نشاط و سلامت را ببینید!

پیشاپیش سال ۱۴۰۳ و عید نوروز را به تمامی شما بزرگواران تبریک و شادباش عرض می نمایم.

یک سال با شما بودیم! زنان و مردان غیرتمندی که سالها درسنگر تولید و عزت و شرف برای خودکفایی اقتصاد ایران عزیز از جان مایه گذاشته اند و به هنگام بازنشستگی عنوان زیبای "پیشکسوتان" را از آن خود می نمایند و الگویی افتخارآمیزی برای نسل کنونی و آیندگان هستند!

درسرما و گرما و با وجود تمام مشکلات و ناپسامانی ها چراغ "اتحادیه" پیشکسوتان را روشن کردند! این "اتحاد" رمز موفقیت و جاودانگی "اتحادیه" پیشکسوتان جامعه کارگری است!

جای جای خانه کارگردر خیابان ابوریحان تهران نشان های پرافتخاری دارد از حضور شما بزرگواران که به هر مناسبتی قدم برچشمان ما می گذارید و هیچگاه اتحادیه را تنها نمی گذارید! جمعی پرشکوه از موسسیدان مهربانی که تا دیروز برای سرفرازی وطن تلاش می کردند و اینک همه در پی یک هدف زیرسقف یک خانه ای به نام اتحادیه "گردهم می آیند تا دردهای خویش را

تخلیه روانی!

خوردن و بعدش شروع کنی برای خودت رقصیدن. یعنی لحظاتی بی‌خیال همه چیز شدن. یعنی تمام وجودت با حضور قلب دایم یک ذکر را بگویی: چیز لقی دنیا. برون ریزی یعنی چیزی که بعدش از ته دلتان بگویی: آخیش! راحت شدم. بیرون نریختن هیجان‌های اصلی در مسیری بالغانه و والایش‌افته، و سرکوب مداوم آنها در خانواده و یا در جامعه، کم‌کم به تجمع درونی خشم منجر خواهد شد که روزی در جایی همانند یک دُم چرکین سر باز خواهد کرد. فقط یک چیز را یادتان باشد؛ یعنی یک چیز را رعایت کنید؛ فشار روان‌تان را روی کسی خالی نکنید. قرار نیست با آخیش گفتن شما، زخمی بر وجود کسی بشیند.

هایت را بزن. بی هیچ آداب و ترتیبی. در مورد همه چی. بی هیچ هراس و قید و بندی. بعد بارها گوشش بسته. بعد حذفش کن و فراموشش کن. فقط باید برسی به آنجا که فریاد بکشی: «چو تخته پاره بر موج، رها رها رها من». برون‌ریزی یعنی ورزش؛ یعنی گاهی کوه و در و دشت رفتن. یعنی بالا و پایین پریدن. یعنی با بچه‌ها فوتبال زدن و عروسک بازی کردن. یعنی فریاد کشیدن؛ بلند خندیدن؛ بلند گریه کردن. اصلاً یعنی لحظاتی را مثل دیوانه‌ها زیستن. یعنی آن لباس قشنگتان را توی خانه پوشیدن و خودتان را تحویل گرفتن. یعنی توی خلوت خودتان همراه با یک آهنگ دلخواه یک لیوان چای با بیسکویت در خلوت

می‌گیریم که آدم خوب یعنی کسی که هیجان‌انگیزش را سرکوب کند و نشان ندهد. برون‌ریزی روان یعنی داشتن رفیقی که با او همان‌طور حرف بزنید که با خودتان حرف می‌زنید. اگر نداریدش بهترین رفیقی که می‌توانید فشار روان را روی آن خالی کنید یک قلم و کاغذ است. بنویسید. هرچه دل‌تنگان می‌خواهد. آزاد و رها. بعدش هم بنویسیدش سطل اشغال. حتی اسیر آن نوشتن هم نشوید؛ اینکه چه می‌نویسید و چگونه می‌نویسید و برای چه می‌نویسید. فقط بنویسید. حتی اگر حال نوشتن ندارید شروع کن به حرف زدن و صدایتان را ضبط کردن. بدون هیچ قیدی حرف

دارد. وگرنه می‌ماند؛ گیر می‌کند. رشد نمی‌کند. نمی‌تواند قدم از قدم بردارد. تمام فکر و ذکرش درگیر چیزهای حقیر می‌شود. گاهی به روان‌تان استراحت دهید. استراحت از روزمرگی؛ از دوییدن‌های بی‌هدف؛ از تنش‌های بی‌هوده؛ از کل‌کل کردن با خود و دیگران؛ از گیر دادن به چیزهایی که ارزشش را ندارد؛ استراحت از حرص و طمع، استراحت از کینه. استراحت از خیرهای ناگوار، استراحت از نقاب‌ها و پرستی‌های مزخرفی که سینه‌ی آدم را تنگ می‌کند. استراحت از احساس قیض و گرفتگی. یا لااقل استراحت از چیزهایی که درون خود می‌ریزد و کسی نمی‌فهمد. خصوصاً در فرهنگ ما که از همان بچگی یاد

روان ما هم یک مئانه دارد که در مسیر زندگی مدام پسر و خالی می‌شود. آنها که مایعات بیشتری می‌خورند یا در معرض سرما هستند (یعنی زندگی پرتلاطم‌تری دارند) مئانه‌شان زودتر پُر می‌شود. مئانه‌ی روان که پر می‌شود آدم‌الکی قاطی می‌کند، به هم می‌ریزد؛ اخلاقی سگی می‌شود؛ و جالب آنکه خودش هم نمی‌داند چه مرگش است. با این تفاوت که آدم پرشدن مئانه‌ی روان را نمی‌فهمد؛ فقط درد و فشارش را حس می‌کند. روان نیز نیاز به بیرون‌روی دارد. نیاز به خالی شدن از فاضلاب مشکلات زندگی. تا بتواند دوباره به چیزهای خوب فکر کند. روی چیزهای بهتر سرمایه‌گذاری کند. روان هم نیاز به رهایی از فشار

نشر: گاهنامه مدیر
تا حالا شده است بعد از خوردن مایعات زیاد، یا توی سرما وسط جاده در یک اتوبوس بین شهری گیر کرده باشید و مئانه‌تان از فشار پر شدن در حال ترکیدن باشد؟ دیده‌اید آدم جاننش به لبش می‌رسد؛ تمام ذهن و فکر و آرزویش خالی شدن مئانه‌اش است. هیچی برایش مهم نیست. هیچی به چشمش نمی‌آید. هیچ آرزویی ندارد جز توقف ماشین. تا محتویات مئانه را برون ریزی کنید دیده‌اید وقتی دستشویی می‌روید چه احساس راحتی‌ای دست می‌دهد؟ احساس سبکی. آن وقت است که آزاد می‌شوید و دوباره به چیزهای دیگر فکر می‌کنید. از ته دل می‌گویید: آخیش. راحت شدم.

"بانک زمان" در سوئیس

این اولین بار بود که درباره مفهوم "بانک زمان" می‌شنیدم! وقتی بیشتر درباره آن تحقیق کردم، متوجه شدم "بانک زمان" یک طرح بازنشستگی برای مراقبت از سالمندان است که توسط وزارت تأمین اجتماعی فدرال سوئیس تدوین و توسعه داده شده است. داوطلبان، زمان مراقبت از شان در "سیستم امنیت اجتماعی" پس انداز کرده تا وقتی خود؛ پیر ناتوان شدند یا نیاز به مراقبت داشته باشند، از آن برداشت کنند!

طبق قرارداد؛ یک سال بعد از اقباض خدمات متقاضی (سپرده گذاری زمان)، بانک زمان میزان ساعات خدمات را محاسبه کرده و به او یک کارت بانک زمان می‌دهد. وقتی او هم نیاز به کمک یک نفر دیگر دارد، می‌تواند با استفاده از آن کارت؛ "زمان و بهره" آنرا برداشت کند. بعد از تایید، بانک زمان داوطلبانی را برای مراقبت از او در بیمارستان و یا منزل تعیین می‌کند؛ در ضمن، متقاضیان سپرده گذاری "زمان"، باید سالم و تندرست، دارای مهارت‌های ارتباطی خوب و پر از عشق و علاقه به هموعان باشند!

صاحبخانه ام هفته‌ای دو بار برای مراقبت از پیرمرد سرکار می‌رفت و هر بار هم دو ساعت وقت برای خرید، تمیز کردن اتاق، آفتاب گرفتن پیرمرد و گپ زدن با او سرمایه‌گذاری می‌کرد!

اتفاقاً یک روز دانشگاه بودم که تماس گرفت و گفت در حالی که شیشه اتاق منزل خودش را تمیز می‌کرده از چهارپایه افتاده! من فوراً مرخصی گرفتم و او را به بیمارستان رساندم. مچ پای او شکسته بود و برای مدتی نیاز داشت روی تخت بماند. داشتم کارهای تقاضا برای مرخصی

امیرعباس زینت بخش یک دانشجوی خارجی که برای ادامه تحصیل به سوئیس رفته می‌نویسد: در زمان تحصیل، نزدیک دانشگاه یک خانه اجاره کردم. صاحبخانه یک خانم ۶۷ ساله بود که با شغل معلمی بازنشست شده بود. طرح‌های بازنشستگی در سوئیس آنقدر قوی هستند که بازنشستگان هیچ نگرانی برای خورد و خوراک ندارند. به این جهت؛ یک روز از اینکه متوجه شدم او کار پیدا کرده متعجب شدم! مراقبت از یک پیرمرد ۸۷ ساله!

از او پرسیدم آیا برای نیاز به پول این کار را می‌کند، پاسخش من را متحیر کرد! من برای پول کار نمی‌کنم، بلکه "زمان" خودم را در "بانک زمان" سپرده می‌کنم تا در زمانی که (مثل این پیرمرد) توان حرکت ندارم، آنرا از بانک بیرون بکشم!

پوست پرتقال‌های نیم سوزگم بشه. موقع خواب، دل شیر میخواست سرت رو بذاری رو بالش یخ! بالش رو میذاشتم رو بخاری. بعد هم جلدی تاش میکردیم که گرمیش نره، سرت رو که میذاشتی رو بالش گرم، انگار گرمی آفتاب وسط تابستون که آروم، لایه لای موهات نفوذ میکرد. پتوهای پلنگی و لحاف‌های پنبه‌ای ساتن دوز رو تا زیر چونه بالا میکشیدیم. بیرون سسرد سسرد بود، خیلی سرد! ولی دلمون گرم بود. گرم به سادگی زندگیمون، به سادگی بچگیمون. دلمون گرم بود به فرداهایی که میومد، فرداهایی که سردیش اثری نداشت تو شادیمون. شادی بچه‌هایی که با چکمه‌های رنگی، تو راه مدرسه، گوله برفی رو سمت هم پرتاب میکردند. بچه‌هایی که گرچه لپ‌هاشون مثل لپو قرمز قرمز بود و دست‌هاشون سرد سرد، ولی دلهاشون گرم گرم بود و نزدیک به هم و خالی از زیا و تزویر... واقعا یادش بخیر

یادش بخیر...!!!

های کوچولو. اون موقع به وسیله کارآمدی بود با به لوله کرم رنگ با به چی آکاردئون مانند نارنجی به سرش و شیلنگی که عین خرطوم فیل آویزون بود، خدایی اسم خاصی نداشت ولی کار راه بنداز بود.

بخاری رو میذاشتن تو هال و بسته به شرایط جوی و گذر فصل، دکوراسیون خونه رو هسی تغییر میدادند، یعنی سرد و سردتر که میشد، در اتاق‌ها یکی یکی بسته میشد و محترمانه منتقل میشدی به وسط هال، دی و بهمن عملاً خونه به هال داشت با دمای قابل تحمل و به آشپزخونه ی گرم. اتاق‌ها در حد سیبری سرد بودند و آگه به وقت قصد میکردی بری تو اتاق و به چیزی برداری باید به نفس عمیق میکشیدی، درو باز میکردی، بدو میرفتی و بدو برمیگشتی. تو همون زمان، حداقل چهار نفر با هم داد میزدند... درو بند! سوز اوامد! یخ زدیم!

گاهی که خسته میشدی و دلت میخواست بری تو اتاق، یا امتحانی چیزی داشتی، به بخاری برقی قرمز با دو تا لوله ی سفالی سیم پیچ شده میدادند زیر بغلت، بدیش به این بود که باید میرفتی تو بغلش می‌نشستی تا گرم بشی دو قدم دور میشدی نوک دماغت قندیل میبست.

بخاری محل تجمع کل خانواده بود، موقع سریال همه از هم سبقت میگرفتند که نزدیکترین جا رو به بخاری پیدا کنند، حتی شام هم نصفه ول میکردند از هول دور موندن از بخاری!

پشت بخاری معمولاً مخفیگاه جورابهایی شسته شده بود، که باید خشک میشد تا صبح به پا بکشی و بری مدرسه. و اما خوری بخاری، آشپزخونه ی دوم مامان بود، همیشه روش یه چیزی بود برای خشک شدن. اگر هم نبود، پوست‌های پرتقالی بود که بابا شکل آدمک و ترازو و گربه ردیف میکرد رو بخاری تا بوی بد نفت زیر عطر

چند روز است از سر صلات صبح تو رادیو، تا اخبار پس از شامگاهی تو تلویزیون، اعلام میکنه: زنه‌ها! آگاه باشید و هوشیار که هوا این هفته سسرد خواهد شد! حالا چی؛ چند درجه، فقط چند درجه ناقابل هوا قراره سرد بشه.

مطمئنم که کل سیستم هواشناسی رو، این جدیدی‌ها اداره می‌کنند که ایقدر هول برشون داشته وگرنه قدیمی‌ترها یادشون زمستون‌های سرد و بخاری‌های نفتی پت پتی روا برف‌های سفید و چکمه‌های رنگی کفش ملی رو. از باول مهر خه‌ها رو به خنکی میرفت، آبان دیگه سرد بود. مدرسه‌ها بخشنامه داشتند؛ از وسط آذر بخاری روشن میکردند، قبلش باید دیگ دیگ می‌لرزیدی تو کلاس. از همون اول پاییز لباس کاموایی‌ها از تو بچه در میومد. مگه میشد با به تا پیرهن بگردی تو خونه؟ دو لا، سه لا لباس میپوشیدی به بافتنی مامان دوز هم روش، جوراب از پامون کنده نمیشد.

اوایل آبان بخاری‌های نفتی و علاءالدین‌های سبز و کرمی رنگ از تو انباری‌ها در میومد. تویست هم بود که ژاپنی بود و با کلاس. تازه بو هم نمیداد. بخاری نفتی‌ها اکثراً یا ارج بودند یا آزمایش، همشون هم سبز و سیاه. ملت یا بشکه دویست و بیست لیتری نفتی تو حیاط داشتند یا آگه باکلاس بودند، به تانکر بزرگ ته حیاطشون!

نفت آوردن نوبتی بود، پسر و دختر هم نداشت. آگه ز رنگ بودی و یادت بود تا قبل از غروب بری و سهمت رو بیاری که هیچ، وگرنه تاریک و ظلمات باید میرفتی ته حیاط پیت نفت به دست، عینهو کوزت.

برف خه اکثراً بود رو زمین، شده دو سانت. برف هم آگه نبود، یخ زده بود زمین، باید تاتی تاتی میرفتی تا دم تانکر، گاهی مجبور بودی از تو بشکه‌های دویست و بیست لیتری نفت رو منتقل کنی به بشکه



واکنش شدید اللحن تشکل های کارگری به اظهارات وزیرکار؛

صادقی: سهام «پرسپولیس» را نمی‌خواهیم!



تیم‌های فوتبال حرفه‌ای که باید توسط بخش خصوصی اداره شود. صادقی گفت: دولت و وزیر کار به تأمین هزینه تیم‌های فوتبال افتخار می‌کنند، اما به وظیفه و تکلیف قانونی خود در بودجه ۱۴۰۲ عمل نمی‌کنند. واگذاری باشگاه پرسپولیس، افتخاری برای دولت و وزیر کار و رئیس سازمان تأمین اجتماعی ندارد. شما حق ندارید با منابع ما افتخار و پول این باشگاه‌ها را پرداخت کنید.

می‌خواهم ۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی را بپردازد. وی خطاب به مسئولان گفت: سن و سابقه بازنشستگی را بالا می‌برید تا پول تأمین اجتماعی را خرج بازیکنان فوتبال کنید؟! این چه تصمیمی است؟! شما در مقابل متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان کم می‌آورید، بعد به دنبال پرداخت هزینه‌های بازیکنان پرسپولیس هستید؟ وظیفه‌ی وزارت کار تأمین رفاه کارگران و اقشار ضعیف جامعه است، نه تأمین هزینه‌های

در صورتی می‌توانند به این تصمیم راضی باشند که دولت، همراه با واگذاری این باشگاه، تمامی بدهی خود را به سازمان پرداخت کند. دولت باید ۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی را پرداخت می‌کرد تا تأمین اجتماعی بتواند از عواید آن در سال جاری بهره‌بردار. صادقی گفت: من به عنوان رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و به نمایندگی از کارگران و بازنشستگان به این اقدام اعتراض می‌کنم و از دولت

دولت را مکلف کرده است که در بودجه سال جاری، ۷۰ هزار میلیارد تومان به صورت رد دیون در قالب سه - دوازدهم به سازمان پرداخت کند، اما هنوز هیچ مبلغی پرداخت نشده است. در مقابل می‌خواهند باشگاه پرسپولیس را به سازمان واگذار کنند و پول آن را هم بگیرند و در جیب خود بگذارند! می‌خواهند باشگاه ورشکسته‌ای را که جز هزینه چیزی برای ما ندارد، به تأمین اجتماعی تحویل کنند. وی گفت: در دولت قبل، بودجه‌ی مصوب پرداخت شد و بعد هپکو نیز به صورت جداگانه به سازمان واگذار شد. هپکو، کارگری بود و ما هم می‌خواستیم مشکلات کارگران هپکو حل شود، اما واگذاری پرسپولیس اینگونه نیست. مگر ما مسئول حل مشکل فوتبالیست‌ها هستیم؟! مگر تأمین اجتماعی و طبقه کارگر که به شام شب خود محتاج است، مسئول وضعیت باشگاه پرسپولیس است؟ رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: سازمان تأمین اجتماعی هیچ مدافعی ندارد و حتی مدیرعامل این سازمان هم به دلیل آنکه چند صباحی بر

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: سن و سابقه بازنشستگی را بالا می‌برید تا پول تأمین اجتماعی را خرج بازیکنان فوتبال کنید؟! این چه تصمیمی است؟! شما در مقابل متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان کم می‌آورید، بعد به دنبال پرداخت هزینه‌های بازیکنان پرسپولیس هستید؟ "حسن صادقی"، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری از تصمیم دولت برای واگذاری سهام دو باشگاه پرسپولیس و استقلال به صندوق‌های بازنشستگی انتقاد کرد و گفت: چند روز به پایان سال مانده، اما هنوز دولت ۷۰ هزار میلیارد تومانی که در بودجه سال ۱۴۰۲ به عنوان بدهی به سازمان تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده، را پرداخت نکرده است. مقصر اصلی این ماجرا سازمان تأمین اجتماعی است که اصلاً به سراغ مطالبات این سازمان نمی‌رود. رویکرد مدیریت سازمان آینده‌فروشی اموال سازمان تأمین اجتماعی است تا به سراغ مطالبات خود از دولت نرود. صادقی گفت: مجلس تصویب و

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی

تاج پرسپولیس بر سر تأمین اجتماعی: سهام «پرسپولیس» را نمی‌خواهیم!

اموال و دارایی‌های آن هر زبانی سنواتی را پوشش می‌دهد. البته در آن مقطع و تا سال ۱۳۹۳ که طرح تحول سلامت شروع شد و سازمان تأمین اجتماعی برای اولین بار دچار کسری نقدینگی شد بعضاً سازمان از دریافت سهام غیر سودآور استنکاف نموده مثلاً در دوره مدیرعاملی دکتر سنواری فر واگذاری بالمناصفه سهام شرکت‌های هواپیمایی آسمان و شیر و پاستوریزه پگاه به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری مصوب هیات وزیران شد ولی سازمان اعلام کرد این سهام را نمی‌خواهد و سازمان بازنشستگی کل سهام این دو شرکت را بابت تهاات بدهی دولت برداشت. مشابه این اقدام طی دو سال گذشته هم اتفاق افتاد و تهاات برخی شرکت‌های مشابه دارای مصوبه واگذاری منتفی شد. همچنین دولت وقتی که سازمان از پذیرش جنس در هم دولت استنکاف می‌ورزید و فقط سهام مرغوب را بر میداشت در قیمت گذاری، رقم‌های بالاتری را به سازمان تأمین اجتماعی تحویل می‌کرد مثل میوه فروش‌هایی که قیمت میوه در هم و سواکن آنها فرق می‌کنند؟! ادامه دارد و بنظرمی رسد باتوجه به عدم درج تادیه نقدی در بودجه های سنواتی توسط دولتهای سابق و لاحق این روند روبه تزايد است و تبدیل به موقوفات سنواتی می شود تلاشهای سازمان تأمین اجتماعی تا اوائل دهه ۷۰ موثر واقع نشد و از اواخر دهه ۷۰ سازمان مجبور شد پیشنهاد دولت برای تادیه تهااتری بدهی های معوقه از طریق واگذاری اموال و داراییهای مازاد بر نیاز دولت را بپذیرد و از همان ابتدا دولت ها همواره یک سید سهام به سازمان پیشنهاد می کردند که شامل سهام شرکت‌های خوب و سود آور و مقداری جزئی سهام شرکت‌های زیان ده و یا باحاشیه سود پائین یا طرح اقتصادی نیمه تمام بود. مثلاً در دولت قبل یک بسته تهاات بدهی به مبلغ حدود ۳۷ هزار میلیارد تومان انجام شد که حدود ۳۲ هزار میلیارد تومان آن سودآور و مرغوب بود ولی حدود ۵ هزار میلیارد تومان آن سهام هپکو بود که در آن مقطع و تا همین اواخر زیان ده و مشکل دار بود. صرفنظر از اینکه بهر تقدیر در اقتصاد نیم قرن اخیر ایران چنانچه شرکتی زیان دهی دارای اموال و دارایی سرمایه ای باشد، افزایش قیمت

کننده مس و در دهه ۹۰ تاکنون بخاطر سهامداری در شرکت ذوب آهن ولیکن چنانچه سازمان به سمت خروج از بنگاهداری و تصدیگری حرکت نماید علی القاعده این مشکل برطرف می شود. ولی مشخص نیست که چرا ماموریت و تکلیف رفع مشکلات بین المللی فوتبال کشور که باید توسط دولت و شرکتهای دولتی انجام پذیرد به عهده سازمان تأمین اجتماعی گذاشته می شود و این داغ بر پیشانی این سازمان مشاع، بین نسلی و حق الناس می خورد؟! بطور مثال در دولت قبل بخاطر مشکلات تحریم و شکایت مربی و فیفا، تادیه مطالبه ویلموتس را به سازمان تأمین اجتماعی تحویل کردند و الان هم می خواهند مشکل پرسپولیس را به همین ترتیب عمل نمایند؟! و مشخص نیست تاجی که می خواهند بر سر سازمان بگذارند این تاج است یا اون تاج؟! بویژه آنکه این دو باشگاه استقلال و پرسپولیس دارای طرفداران میلیونی هستند و تملک یکی از این دو میتواند برای سازمان در بین هواداران فوتبال و مردم حاشیه بسازد بدهی های بیمه ای دولت امری است که شکل گیری و انباشت آن از سال ۱۳۵۴ شروع شده و تا الان

حرفه ای در حیطه عمل سازمان تأمین اجتماعی نبوده و نیست حتی اگر این باشگاهها زیان ده نباشند تا چه رسد به اینکه باشگاههای موصوف دارای مشکلات زیادی است. البته سازمان تأمین اجتماعی در ادوار گذشته و بخاطر سهامداری در برخی شرکتهای بزرگ که از دولت در قبال بدهی دریافت نموده بود و به واسطه شرکتهای نسل چندم خود چندین تیم فوتبال داشت مثلاً در دهه ۷۰ بخاطر سهامداری در ایران خودرو و سایپا و شرکتهای تولید



این روزها بحث واگذاری باشگاه پرسپولیس به سازمان تأمین اجتماعی بابت تادیه تهااتری بخشی از بدهی دولت به سازمان مزبور، بسیار داغ شده است علی الظاهر این تصمیم بخاطر فشار و ضرب الاجل فیفا برای خصوصی سازی دوباشگاه استقلال و پرسپولیس است و پس از آنکه دولتهای مختلف طی دوده اخیر نتوانستند نسبت به خصوصی سازی این دوباشگاه اقدام کنند قرعه فال به نام سازمان تأمین اجتماعی افتاده است. تخم لُق این موضوع را اولین وزیر رفاه و

تأمین اجتماعی در دولت احمدی نژاد مطرح کرد و بخاطر علاقه ای که به تیم داری داشت اعلام کرد که این وزارتخانه (که البته منظورش سازمان تأمین اجتماعی بود) این دو تیم را بر می دارد. از منظر کارشناسی بطور کلی سازمان تأمین اجتماعی اگر بتواند و منابعی داشته باشد باید بر روی ورزشهای همگانی معطوف به بازنشستگان و مستمری بگیران خود سرمایه گذاری کند چرا که با ارتقاء سلامت این قشر از بروز بیماری ها و... جلوگیری می شود و حمایت از ورزشهای قهرمانی و

این روزها بحث واگذاری باشگاه پرسپولیس به سازمان تأمین اجتماعی بابت تادیه تهااتری بخشی از بدهی دولت به سازمان مزبور، بسیار داغ شده است علی الظاهر این تصمیم بخاطر فشار و ضرب الاجل فیفا برای خصوصی سازی دوباشگاه استقلال و پرسپولیس است و پس از آنکه دولتهای مختلف طی دوده اخیر نتوانستند نسبت به خصوصی سازی این دوباشگاه اقدام کنند قرعه فال به نام سازمان تأمین اجتماعی افتاده است. تخم لُق این موضوع را اولین وزیر رفاه و

سفرهای یک روزه و تهران‌گردی و برگزاری جلسات آموزشی بهداشت و تندرستی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، ابتکاری در خدمت بازنشستگان و پیشکسوتان محترم

برگزاری جلسات ادواری اتحادیه، گامی در جهت نزدیک شدن به پیشکسوتان و بازنشستگان محترم و درک خواسته‌های به حق آنان



هیات تحریریه

یا مقلب القلوب والابصار! حالمان خوش نیست

عید نمی‌آمد؟! ای خدای روزی ده؛ روزی مان دست جماعتی افتاده که امیدی به گشاده دستی شان نیست و هر روزمان سخت تر از دیروز است! خدای مهربان ما! سال ۱۴۰۳ از راه می‌رسد و با تمام مشکلات و تنگناها امید به فردا داریم!

انسان حالمان را سخت گرفته اند! ای خدای من و ما! در دایره قسمت که روزی را تقسیم می‌کرده اند، سهم ما درد بوده و غم ننداری! بندگان از نوع خودمان آرام آرام آب باریکه‌ها را نیز بر ما بسته اند و نفس کشیدن؛ چقدر سخت شده! سالهایی نه چندان دور که اسفندی می‌آمد، اسپند و شادی به سفره امان رنگ و بویی می‌داد و امر زومی گویم ای کاش اسفندی در کار نبود و هیچگاه

یا محول الحول والاحوال! حالمان خوش نیست! سالهاست که عید نوروز را بهانه ای می‌گیریم برای خوشی‌های چند روزه ای که فقط نامش خوشی است! ای گرداننده جهان هستی! در این دنیای بزرگ گرفتار آمده ایم! خداوند! از رگ گردن به مخلوقات خود نزدیک تری! عالم ودانا و بصیری! حالمان را نیک می‌دانی! "حول حالنا الی احسن الحال" دیگرانی از نوع

"من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق"

صفره بندی آقایان سعید اصغری و یوسف عزیزی در روزنامه کارواگر و دوستان محترم در بخش چاپ و همچنین از همراهی صمیمانه آقایان محمد هداوند و "سید مهدی پیمان" در دفتر اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری قدرانی ویژه ای نماییم که در تمامی ایام و لحظات سال ۱۴۰۲ همپای مجریان ماهنامه دغدغه پیشبرد امور را داشتند. و در پایان از خدای منان ممنونیم که مدد نمود شرمنده جامعه شریف پیشکسوتان تولید و خودکفایی نباشیم!

ویرادر خوبان جناب آقای "جعفر رضایی" مدیریت محترم امراستانهای این روزنامه نبود؛ انتشار منظم ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" میسر نمی‌شد! از لطف و عنایات ایشان و همراهی‌های خوب و دلسوزانه ایشان ممنون و متشکریم و برای دوستان بزرگوار هم چون سردبیر محترم روزنامه "کارواگر" جناب آقای امید محسنی و همکاران گرامی شان در تحریریه آرزوی توفیقات روزافزون داریم! وظیفه خود می‌دانیم از نهایت همکاری و صبوری دوستانمان در بخش

وظیفه خود می‌دانیم مراتب سپاس قلبی خود را از حمایت‌های بی‌شائبه، دبیرکل معزز خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران جناب مهندس "علیرضا محبوب" و ریاست محترم اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری جناب آقای حاج حسن صادقی و اعضای محترم هیات مدیره این اتحادیه اعلام نماییم. در طول سال ۱۴۰۲ اگر همراهی و همکاری صمیمانه مدرمسئول محترم روزنامه وزین "کارواگر" جناب آقای مهندس "اسرافیل عبادتی" و دوست